

عوامل سلب توفیق انسان در امور معنوی و مادی

استاد راهنما: لیلا قربانی^۱

گردآورنده: عارفه قاسمی^۲

چکیده

در این مقاله سعی شده است زمینه‌های مختلف محروم شدن از برخی نعمت‌های دنیوی و امور عبادی مانند نماز، قرآن و... ریشه‌یابی شده و عوامل سلب توفیق مورد تجزیه و تحلیل روایی قرار گیرد. در این اثر امیال طبیعی، انجام گناهان فردی، نامیدی، سستی و تنبی، بی‌نظمی، جهل، دنیاطلبی، محیط زندگی و خانواده و وراثت را جزء مهم‌ترین عوامل سلب توفیق دانسته و این قبیل از امور عامل محروم شدن از لذت بسیار از عبادت، بی‌برکتی زندگی دنیوی، محروم ماندن از شفاعت اولیای الهی و عدم تربیت صحیح فرزندان عنوان شده است.

کلیدواژه: عوامل، سلب، توفیق، معنوی

مقدمه

چه بسیار افرادی که ثروتمند هستند و خرجهای بیهوده دارند اما در مواردی که اجر و پاداش دارد مانند کمک به مستمندان و دستگیری از بیچارگان و یا در امور خیریه مصرف نمی‌کنند با این که دست و دل باز هستند و بخیل نیستند و یا این که در اول وقت کاری ندارد بدون عذر نمازش را به تأخیر می‌اندازد واز فضیلت اول وقت خود را محروم می‌نماید و یا موقع فضیلت نماز شب را درک می‌کند و بیدار است اما به خود اجازه خواندن نماز شب را نمی‌دهد و... یعنی با داشتن

^۱- استاد روش تحقیق حوزه علمیه صادقیه
^۲- طلبه پایه سوم، حوزه علمیه صادقیه

امکانات و وجود مقدمات اما موفق به انجام کار خیر نمی شوند. این ها همه حکایت از یک معنا دارد و آن نداشتن توفیق است. توفیق الهی موهبتی است که خداوند به انسان عطا می کند و البته به هر کسی عطا نمی کند. رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب (توفیق) موانعی دارد. باید عوامل سلب توفیق را شناخت و به کمک این شناخت سعی در رفع آنها کرد. بنده به دلیل علاقه‌ای که داشتم این موضوع را انتخاب کردم و در این مقاله به زمینه‌های سلب توفیق و عوامل مشترک و اختصاصی سلب توفیق پرداختم.

معنی توفیق

وفق: یعنی مطابقت و همسانی میان دو چیز، فرمود:

«جَزَاءٌ وِفِاقًا» (النباء: ۲۶) پاداشی برابر، «وَأَفْقَتُ فَلَانًا وَأَفْقَتُ أَمْرًا» با او و آن کار موافق کردم و مصادف شدم، اتفاق: مطابقت کار انسان با تقدیر و قضا و قدر که هم در خیر و هم در شر بکار می‌رود، می‌گویند چنین اتفاق افتاد، یا برای او اتفاق چیزی رخ داد و یا اتفاق بدی.

اما تَوْفِيقٍ كَه در همان معنی است برای کارهای خیر و نیک بکار می‌رود در آیه:

«وَ مَا تَوْفِيقٍ إِلَّا بِاللَّهِ» (هو: ۸۸) تِيقَاق و مِيقَاق هر دو معنی زمان رخ دادن حادثه و اتفاق.

أتانا تِيقَاقَ الْهَلَالِ: موقع رؤیت هلال بر ما وارد شد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۷۱).

وَ مَا أَصَبَّكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتُهُ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ هر مصیبتي به شما رسد بخارط اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند (شوری: ۳۰).

معنای لغوی: موافق دادن، موافق گردانیدن اسباب، دست یافتن به کاری، کارسازی، و تأیید الهی است (معین، ۱۳۷۵، ۱۱۶۸: ۱).

توفيق توفيق

توفيق يعني خدای سبحان، پیمودن راه را برای انسان آسان‌تر کند؛ چه از طرف مثبت که همان صراط مستقیم است و چه از جانب منفی که کج راهه است. آن جایی که خداوند به کسی توفيق می‌دهد، به این معناست که گرایش قلبی او به سمت امور خداپسند، آسان‌تر می‌شود و اسباب و علل حرکت در این مسیرها، برایش فراهم‌تر می‌گردد و معارف را بهتر درک می‌کند و راحت‌تر عمل می‌کند؛ البته این به معنای آن نیست که راه گناه برای او بسته است - و الا جبر به وجود می‌آید - بلکه گناه کردن برای وی سخت است.

هر عمل خیری جز به توفيق و عنایت حق از انسان سر نمی‌زند و شاید در آینده به واسطه‌ی ترک شکرگذاری، دیگر به او توفيق نفرماید بلکه شاید مورد خذلان واقع شود و گناهی از او سر زند که سبب ضایع نمودن اعمال گذشته‌اش شود (دستغیب، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵).

توفيق الهی نیاز انسان

توفيق الهی یکی از نیازهای هر فرد مؤمن است؛ زیرا اراده و قدرت بر انجام امور خیر، علت تامه برای تحقق آنها نیست.

برای تحقق کارهای پسندیده - گذشته از تصمیم و توانایی - احتیاج به توفيق الهی نیز دارد و در صورتی که توفيق خداوند فردرایاری نکند، امکان انجام کارهای خوب وجود ندارد. خداوند از قول حضرت شعیب می‌فرماید که او به قوم خویش چنین فرمود:

«إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» من اراده ندارم مگر اصلاح را به قدری که استطاعت دارم و توفيق ندارم مگر به کمک خداوند (هو: ۸۸).

نکته‌ی قابل توجه در آیه این است که آن چه که زمینه ساز دریافت توفیق الهی ذکر شده:

اولاً: اراده و خواست قلبی و محکم،

ثانیاً: طالب اصلاح بودن،

ثالثاً: به کارگیری تمام توان و قدرت و استطاعت می‌باشد.

سلب توفیق چیست؟

عکس توفیق، حالت بی‌توفیقی است؛ یعنی به واسطه‌ی گناه پی‌درپی، گرایش قلبی انسان به سمت امور ناپسند، آسان می‌شود.

چنین فردی، راحت دروغ می‌گوید؛ راحت به نامحرم نگاه می‌کند و با سختی، معارف الهی را می‌فهمد و عمل می‌کند؛ نسبت به مسائل معنوی، بی‌میل است؛ ترک گناه برای او سخت می‌شود و اذعان دارد که دلم می‌خواهد گناه نکنم؛ ولی نمی‌توانم!

پیامبر(ص) می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبغضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحَّشَ»

یاد آوری بعض و إنزجار خداوند از ناسراگوی آگاه و ناآگاه، در حقیقت تنبیه‌ی، و هشداری است بر اینکه سلب توفیق انجام نیکی و عدم بخشش الهی در باره او همان مبغوض داشتن اوست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴).

زمینه‌های سلب توفیق

۱. زمینه‌های درونی

الف) امیال طبیعی

اگر امیال انسان تحت سیطره‌ی عقل و وجودان او نباشد موجب انحراف او و سلب توفیق معنوی از او می‌شود.

ب) وسوسه‌های شیطانی

شیطان دشمن بزرگ و آشکار بشر است والبته این بشر است که دعوت او را اجابت می‌کند و شیطان فقط دعوت‌کننده است.

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لِمَا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَآخْلَمُتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَنٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلَوْمُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخٍ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلٍ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: «خداؤند به شما و عده حق داد و من به شما و عده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنا بر این، مرا سرزنش نکنید خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم‌ردیف اطاعت خدا فرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلماً ستمکاران عذاب دردنگی دارند(ابراهیم:۲۲).

بار خدایا ما را در رشته دشمنان شیطان قرارده و از شمار دوستانش بر کنار فرما که او را پیروی نکنیم هر گاه فریبمان دهد، و اجابت شن ننماییم هر گاه بخواند، هر که فرمان ما را پیروی کند به دشمنی شیطان امر کنیم، و از پیروی او دور داریم کسی را که نهی می‌پذیرد(الصحیفة السجادیة، ۱۳۷۶:۱۲۳).

همانا شیطان را سرمه و قاوقوت و آب دهان است. و اما سرمه او خواب و قاوقوت وی خشم و آب دهانش دروغ می‌باشد(صحیفة الإمام الرضا عليه السلام ،۱۴۰۶، ۱:۱۲۴).

«ممکن است یک نظر به نامحرم یا یک لغزش کوچک لسانی، مدت‌ها انسان را از سرایر و حقایق توحید باز دارد و از حصول جلوات محبوب و خلوات مطلوب که قره العین (نور چشم) اهل معرفت است، باز دارد»

۵) عوامل محروم ماندن از شفاعت

شرک و ظلم، دشمنی با اهل بیت، سبک شمردن نماز، از عوامل محروم ماندن از شفاعت است.

۲. عوامل اجتماعی سلب توفیق

الف) عوامل بی‌توفیقی در تربیت خانواده

احساس بی‌مسئولیتی والدین، بی‌برنامگی و روش‌های نادرست، حرام خواری، آسودگی محیط خانه به گناه از عوامل بی‌توفیقی والدین در تربیت خانواده و فرزندان است باید والدین خود و محیط را برای تربیت صحیح فرزندان آماده کنند.

یکی از اموری که در توفیق یافتن انسان دخالت زیادی دارد و شرط موفقیت در کارها بالاخص در کارهای بزرگ است، حوصله و صبر زیاد است. کم حوصلگی و کم صبری مانع است که انسان در یک کار مفید که متناسب با استعداد اوست مداومت کند؛ همه کارها را ناقص می‌گذارد و دائمًا از این شاخ به آن شاخ می‌پرد و از این کار به آن کار رو می‌آورد و در نتیجه هیچ کاری را به طور کامل انجام نمی‌دهد (مطهری، ۱۷۲:۲۲، ۱۳۸۴).

نتیجه

گناه وسیله‌ی دوری از خدا و سلب توفیق است. ما انسانها آفریلده خدا هستیم و قدرت و اختیار ما نیز از ناحیه خدا است. اما این را که از قدرت و اختیارمان چگونه استفاده کنیم، خداوند به خودِ ما واگذار کرده است. حال اگر از قدرت و اختیارمان خوب و درست و در راه رضای خدا استفاده کنیم، خداوند پاداشی به ما می‌دهد و اسباب هدایت و توفیق در این زمینه را فراهم می‌کند اما اگر از قدرت و اختیارمان خوب و درست و در راه رضای خدا استفاده نکنیم و در راه نادرست و گناه و نافرمانی استفاده کنیم، مجازات می‌شویم و بی توفیقی و خذلان نصییمان می‌گردد و اسباب و زمینه‌های کسب توفیق را از دست می‌دهیم.

فهرست مراجع

- ١.قرآن کریم،ترجمه: مکارم شیرازی.
- ٢.نهج البلاغه، ترجمه: انصاریان.
- ٣.الصحيفة السجادیة، ترجمه و شرح: فیض الإسلام.
- ٤.نهج الفصاحة، ترجمه: ابوالقاسم پایندہ.
- ٥.صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ترجمه: حجازی.
- ٦.آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحكم و درر الكلم، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- ٧.ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: جنتی، چاپ اول، تهران، مؤسسه امیر کبیر، ۱۳۸۲ش.
- ٨.تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحكم و درر الكلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
٩. دستغیب، محمد هاشم، گناهان کبیره، چاپ مصحح سوم، قم، دارالكتاب، ۱۳۸۴.
- ١٠.دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ترجمه: رضایی، تهران، اسلامیه.
- ١١.راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
- ١٢.طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار: ترجمه عطاردی، چاپ اول، تهران، عطارد، ۱۳۷۴ش.
- ١٣.طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ترجمه: میرباقری، چاپ دوم، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵ش.

١٤. كليني، محمد بن يعقوب، تحفة الأولياء، ترجمه أصول كافي، چاپ اول، قم، دار الحديث، ١٣٨٨
- ش.
١٥. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ترجمه: موسوی همدانی، چاپ اول، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر، ١٣٦٤ ش.
١٦. مستغفری، جعفر بن محمد، روش تدرستی در اسلام، ترجمه طبّ النبی و طب الصادق عليهما السلام، چاپ سوم، قم، مومنین، ١٣٨١ ش.
١٧. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ دوم، تهران، صدرا، ١٣٨٤.
١٨. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ نهم، تهران، امیر کبیر، ١٣٧٥.
١٩. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٤ ش.
٢٠. نصر بن مزاحم، پیکار صفین ، ترجمه: پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ١٣٧٠ ش.
٢١. هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد عليهم السلام، ترجمه كتاب سلیم بن قیس هلالی، چاپ اول، قم، نشر الهادی - ایران، ١٤١٦ ق.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.